



فهرست افعال عبارتی در زبان انگلیسی

افعال عبارتی جداشدنی

Separable Phrasal Verbs (Transitive)

ترجمه	مثال	معنی	فعل
تروریست‌ها سعی کردند ایستگاه راه‌آهن را منفجر کنند.	The terrorists tried to blow up the railroad station.	منفجر کردن	Blow up
لطفاً این فرم درخواست را پر کنید.	Please fill out this application form.	پر کردن فرم	Fill out
خواهر من پی برد که همسرش برایش مهمانی غافلگیری تدارک دیده است.	My sister found out that her husband had been planning a surprise party for her.	کشف کردن؛ پی بردن	Find out
دوست ندارم جلسه را به تأخیر بیندازم، اما باید بروم دستشویی.	I hate to hold up the meeting, but I have to go to the bathroom.	به تأخیر انداختن	Hold up
او می‌دانست که به دردسر افتاده است، بنابراین داستانی ساختگی درباره سینما رفتن با دوستانش ساخت.	She knew she was in trouble, so she made up a story about going to the movies with her friends.	داستان ساختگی ساختن	Make up
املاي این کلمه را دوباره اشتباه نوشته‌ای. بهتر است در دیکشنری دنبال آن بگردی.	You've misspelled this word again. You'd better look it up.	به دنبال چیزی گشتن	Look up
ما از رئیس خواستیم که جلسه را تا فردا به تعویق بیندازد.	We asked the boss to put off the meeting until tomorrow.	به تعویق انداختن	Put off
من یک پلیور و کاپشن پوشیدم.	I put on a sweater and a jacket.	پوشیدن	Put on
هوا آن‌قدر گرم بود که مجبور شدم پیراهنم را در بیاورم.	It was so hot that I had to take off my shirt.	درآوردن (لباس، کفش و...)	Take off
لطفاً صدای رادیوی خود را کم کن.	Please turn your radio down.	کم کردن	Turn down



Turn on	روشن کردن	Turn on the CD player so we can dance.	دستگاه پخش سی‌دی را روشن کن تا برقصیم.
Turn off	خاموش کردن	We turned off the lights before the movie started.	قبل از شروع فیلم، چراغ‌ها را خاموش کردیم.
Use up	تمام کردن	The Earth's natural resources are being used up.	منابع طبیعی کره زمین رو به اتمام است.

افعال عبارتی جدانشدنی

Inseparable Phrasal Verbs (Transitive)

ترجمه	مثال	معنی	فعل
معلم دانش‌آموزان ردیف عقب را فرا خواند.	The teacher called on her students in the back row.	فرا خواندن	Call on
من از بیماری آنفولانزا بهبود یافتم، اما نمی‌دانم می‌توانم دل شکسته‌ام را نیز بهبود بخشم.	I got over the flu, but I don't know if I'll ever get over my broken heart.	بهبود یافتن از بیماری یا حال روحی نامناسب	Get over
همه پولت را تمام کردی؟	Did you go through all your money?	تمام کردن؛ مصرف کردن	Go through
وقتی بیرون بودم، مادرم قول داد از سگم مراقبت کند.	My mother promised to look after my dog when I was out.	مراقبت کردن	Look after
پلیس احتمالات اختلاس را بررسی خواهد کرد.	The police will look into the possibilities of embezzlement.	بررسی کردن	Look into
«کارلوس» به طور اتفاقی با استاد زبان انگلیسی‌اش در راهرو برخورد کرد.	Carlos ran into his English professor in the hallway.	تصادفی به کسی برخوردن	Run into
به نظر می‌رسد که پسر دوم من به مادرش رفته است.	My second son seems to take after his mother.	به کسی رفتن	Take after



افعال عبارتی سه قسمتی

Three-Word Phrasal Verbs (Transitive)

فعل	معنی	مثال	ترجمه
Come up with	به ایده‌ای رسیدن	How can she come up with this brilliant idea?	چطور او به چنین ایده فوق‌العاده‌ای رسید؟
Catch up with	به کسی رسیدن	Go on ahead. I'll catch up with you.	تو جلو برو. من به تو خواهم رسید.
Get along with	کنار آمدن	I found it very hard to get along with my brother when we were young.	وقتی جوان بودیم، کنار آمدن با برادرم خیلی برایم سخت بود.
Get rid of	از شر کسی/چیزی خلاص شدن	I can't get rid of this headache.	من نمی‌توانم از شر این سردرد خلاص شوم.
Keep up with	همگام شدن	He found it hard to keep up with the rest of the class.	به سختی توانست با بقیه کلاس همگام شود.
Look forward to	بی صبرانه منتظر چیزی بودن	I am looking forward to the beginning of a new semester.	من بی‌صبرانه منتظر شروع ترم جدیدم.
Look up to	احترام گذاشتن	First-graders really look up to their teachers.	کلاس‌اولی‌ها واقعاً احترام معلم خود را حفظ می‌کنند.
Put up with	تحمل کردن	The girl had to put up with his bad behavior.	دختر مجبور بود رفتار بد او را تحمل کند.
Run out of	تمام شدن	The runners ran out of energy before the end of the race.	انرژی دوندگان، پیش از پایان مسابقه تمام شد.
Talk back to	حاضر جوابی کردن	The player talked back to the coach and was thrown off the team.	بازیکن با مربی حاضر جوابی کرد و از تیم اخراج شد.



افعال عبارتی لازم

Intransitive Phrasal Verbs

فعل	معنی	مثال	ترجمه
Break down	خراب شدن؛ کار نکردن	My car always breaks down just when I need it.	هر موقع به ماشینم نیاز دارم، خراب می‌شود.
Come back	برگشتن به جایی	He promised that we would never come back to this horrible place.	او قول داد که دیگر هیچ‌وقت به آن مکان بسیار بد برنگردیم.
Come to	به هوش آمدن	He was hit on the head very hard, but after several minutes, he started to come to again.	ضربه خیلی شدیدی به سر او وارد شد، اما بعد از چند دقیقه به هوش آمد.
Come over	به دیدن کسی رفتن	John and his sister will come over for lunch on Sunday.	«جان» و خواهرش یکشنبه برای ناهار می‌آیند.
Drop by	سر زدن بدون قرار قبلی	I've got to drop by the shop to do some shopping.	من باید به مغازه سری بزنم و خرید کنم.
Eat out	در رستوران غذا خوردن	When we were in Paris, we loved eating out in the restaurants.	وقتی پاریس بودیم، غذا خوردن در رستوران را دوست داشتیم.
Go back	برگشتن به جایی	I will never go back there again.	هرگز دوباره به آنجا برنمی‌گردم.
Go on	ادامه دادن	We can't go on like this anymore.	دیگر نمی‌توانیم از این بیشتر ادامه بدهیم.
Grow up	بزرگ شدن	Charles grew up in Chicago.	«چارلز» در شیکاگو بزرگ شد.
Keep on	ادامه دادن	The rain kept on throughout the day.	بارش باران در سرتاسر روز ادامه داشت.
Show off	پز دادن، فخر فروختن	Whenever he sat down at the piano, we knew he was going to show off.	هر موقع پشت پیانو می‌نشست، می‌دانستیم که می‌خواهد پز بدهد.



Wake up	از خواب بیدار شدن	I woke up when the rooster crowed.	با بانگ خروس از خواب بیدار شدم.
Get up	بلند شدن؛ برخاستن	The class got up when the teacher came in.	وقتی معلم وارد شد، دانش‌آموزان برخاستند.
Catch on	متداول شدن؛ محبوب شدن	Sports drinks have caught on as consumers have become more health-conscious.	چون مصرف‌کنندگان به سلامتی خود بیشتر توجه می‌کنند، نوشیدنی‌های ورزشی محبوب‌تر شده است.
Pass out	از هوش رفتن؛ غش کردن	He suddenly passed out on the sidewalk.	او ناگهان در پیاده‌رو از هوش رفت.

مجموعه فیلم‌های آموزشی زبان خارجی فرادرس (+ کلیک کنید)

مجموعه فیلم‌های آموزش زبان انگلیسی (+ کلیک کنید)



تهیه و تنظیم: مجله فرادرس